

تمایز عالم ملک و ملکوت از نگاه قرآن و روایات

1 حسین خسروی

2 سهراب اسلامی

چکیده:

دنيا و آخرت را می توان از جهات مختلفی مورد مقایسه و سنجش قرار داد. این مقایسه در خود قرآن کریم نیز انجام گرفته و با استفاده از این بیانات قرآنی، می توان زندگی دنیا و آخرت را مورد ارزیابی صحیح قرار داد و برتری عالم آخرت را تبیین کرد. زندگی آخرت بر خلاف زندگی دنیایی که فانی و زود گذر است، ابدی است و در آن پایان و مرگ امکان ندارد. البته لازم به یادآوری است که وجود تفاوت بین دنیا و آخرت به معنی جدایی کامل این دو نوع زندگی از هم نیست بلکه در جهان بینی اسلامی رابطه عمیقی بین این دو نوع زندگی وجود دارد و در واقع جهان ملکوت صورت تکامل یافته این دنیا می باشد و تفاوت های آن دو در حد تفاوت مرتبه ناقص با مرتبه کامل یک موجود است مانند تفاوت یک میوه نارسیده با همان میوه رسیده، لذا می بینیم که می گویند: دنیا مزرعه آخرت است، یعنی جهان طبیعت در مسیر تکاملی خود به سوی هدف نهایی خودش، سرانجام به مرحله نهایی کمال خویش می رسد و چون در این مرحله به کمال رسیده تمام قید و بندهای محدود دنیا را پشت سر گذاشته و حقیقت و باطن هستی آشکار می گردد.

واژگان کلیدی:

زندگی دنیوی، زندگی اخروی، عالم ملکوت، جهان آخرت

1. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین و دانشجوی دکتری دانشگاه معارف قم.

2. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.

طرح مسأله:

بحث تقابل یا عدم تقابل دنیا و آخرت و تقابل دین و دنیا و تقسیم امور به مقدس و عرفی یا دینی و دنیوی از دیرباز در کلام مسیحیت مطرح بوده است. این بحث ابتدا در جهان مسیحیت مطرح شد و افرادی پس از رنسانس با انگیزه‌های مختلف برای محدود کردن قلمرو دین و جدایی دین از شئون دنیوی که همان سکولاریزم است سخن گفته‌اند، سپس این بحث به جوامع اسلامی کشیده شد و بعضی از روشنفکران مسلمان نیز به نوعی به تفکیک بین دو مقوله دنیا و آخرت قائل شده‌اند تا جایی که هدف از بعثت پیامبران را جز دعوت به خدا و آخرت نمی‌دانند. این موضوع در حقیقت پذیرفتن دوگانگی بین دنیا و آخرت است. موازنه اسلامی بین دنیا و آخرت با توجه به برخی آیات قرآن کریم و نیز برخی روایات رسیده از پیشوایان اسلام به گونه‌ای است که یا صریحاً دنیا و نعمت‌های دنیوی را ناپسند می‌داند یا بر ناروایی و ناپسندی دنیا اشاره دارد. متقابلاً آیات و روایات دیگری نیز هست که در مدح دنیا و پسندیدگی آن هست. در نظر اول گمان می‌رود که این دو گونه آیات و روایات بر خلاف و در تعارض با یکدیگرند ولی یک دسته از آیات و روایات در دست است که تعارضی را که میان آن گونه آیات یا روایات گمان می‌رود، برطرف کرده، جمع بندی درستی از مفاهیم آنها به دست می‌دهد. بنا بر همین آیات مشخص می‌شود که زندگی انسان منحصر به همین زندگی زودگذر دنیا نیست و آدمی بار دیگر در عالم آخرت زنده می‌شود و برای همیشه در آن عالم به حیات خود ادامه خواهد داد. زندگی آخرت، زندگی حقیقی و عینی است به گونه‌ای که زندگی دنیا در برابر آن شایسته نام زندگی نیست، پس مسلماً بین دو جهان، تفاوت‌هایی است. برای نشان دادن تفاوت‌هایی که بین این دو نوع زندگی وجود دارد مثالی در دسترس نیست، زیرا هر مثالی که زده شود از دنیا است و تابع قوانین دنیوی ولی می‌توان با کمی مسامحه دنیا و آخرت را به عالم رحم و دنیا تشبیه کرد.

طفل در رحم نوعی زندگی دارد. پس از تولد از نوعی دیگر از زندگی برخوردار است. یک جنبه مشترک این دو زندگی این است که در هر دو، تغذیه وجود دارد ولی

نحوه تغذیه جنین با کودك پس از تولد فرق دارد طفل در رحم مادر همچون يك گیاه زندگی می کند، از خون مادر از راه بند ناف مانند ریشه گیاه غذای خود را می گیرد. ولی به محض اینکه به این جهان پا می نهد نظام زندگی بر هم می خورد در اینجا يك لحظه هم نمی تواند مثل سابق زندگی کند و اگر کسی بخواهد همان وضع سابق را برای تغذیه طفل ادامه دهد ممکن نیست زیرا نظام زندگی طفل عوض شده است. جهان آخرت نیز نسبت به دنیا چنین است. وضع زندگی در آخرت با وضع آن در دنیا متفاوت است در هر دو حیات است ولی نه به يك نوع. زندگی در آنجا قوانین و نظاماتی دارد غیر از آنچه که در اینجا هست. به عبارت دیگر دنیا و آخرت دو نوع جهان و دو نوع نشئه اند. مسلماً بین دو جهان، تفاوت هایی است. اگر مشابهت هایی وجود دارد، وجود تفاوت نیز حتمی است. دو نشئه و دو نوع زندگی است، با قوانین متفاوت. البته منظور این نیست که عدل الهی جزء قوانین دنیاست و جزء قوانین آخرت نیست، پس در آن جا ظلم روا است، خیر مطلب دیگری است. وضع زندگی در آخرت با وضع آن در دنیا متفاوت است. در هر دو حیات وجود دارد اما به يك شکل نیست. زندگی در آن جا قوانین و نظاماتی دارد که متفاوت است با آن چه در این جهان است. به عبارت دیگر دنیا و آخرت دو نوع جهان و دو نشئه اند. برای به دست آوردن تفاوت های این دو جهان، باید به توصیف هایی که از ناحیه متون دینی، قرآن و روایات، در این باره رسیده مراجعه شود.

الف: تفاوت بین دنیا و آخرت در قرآن

1- ثبات و تغییر

در این جهان حرکت و تغییر هست. کودك جوان می گردد کامل می شود و به پیری می رسد و سپس می میرد. در این جهان، نواها کهنه می شوند و کهنه ها از بین می روند ولی در جهان آخرت پیری و کهنگی وجود ندارد. مرگی هم در کار نیست. آنجا جهان بقاست و اینجا جهان فنا. آنجا خانه ثبات است و اینجا خانه زوال و فنا. در دنیا حرکت و تغییر هست: جوان پیر می شود، نو کهنه می گردد، کهنه ها از بین می روند، گیاهان پژمرده می شوند و... اما در جهان آخرت، تغییر و تحول چینی وجود ندارد و ثبات و بقا حاکم

است (رک: آل عمران، 197؛ نساء، 77؛ یونس، آیه 24؛ نحل، 96؛ کهف، 46؛ مریم، 76؛ طه، 73؛ غافر، 39؛ حدید، 20).

2- زندگی خالص و ناخالص

دومین تفاوت این است که در این جهان، موت و حیات باهم آمیخته است ولی آن جهان سراپا زندگی است. در اینجا جمادات و حیواناتی وجود دارند و هر کدام به دیگری تبدیل می‌گردند. زندگی و مرگ در دنیا مخلوط به هم هستند اما در آخرت چنین نیست. آنجا یکپارچه حیات است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید «وإن الدار الاخره لَهی الحیوان» همانا منحصرآ خانه آخرت خانه‌ای است که زنده است (سوره عنکبوت، 64).

عضوها و اندام‌ها در این جهان شعور و درک ندارند ولی در آن جهان پوست بدن و ناخن هم فهم دارد و حتی سخن می‌گوید در قیامت بر دهنها مهر زده می‌شود و هر عضوی خودش کارهایی را که انجام داده است بازگو می‌کند. آری، زندگی در جهان آخرت خالص است آمیخته به موت نیست. از عنصر کهنگی و فرسودگی و مرگ و فنا در آنجا خبر و اثری نیست. بر آن جهان جاودانگی حکم فرماست.

3- فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت

اختلاف بارز بین دنیا و آخرت، محدودیت عمر دنیا و جاودانگی آخرت است. عمر دنیا هرچند هم طولانی باشد، با ظهور قیامت به پایان خود خواهد رسید در حالی که عمر آخرت، ابدی است (قریب هشتاد آیه قرآن دلالت بر ابدیت و جاودانگی جهان آخرت دارد. رک آیات خلود و جاودانگی بهشت و دوزخ). و به خواست الهی هیچ‌گاه پایان نمی‌یابد (روشن است که متناهی هر قدر هم طولانی باشد، نسبتی با نامتناهی نخواهد داشت)، و روشن است که متناهی هر قدر هم طولانی باشد نسبتی با نامتناهی نخواهد داشت. در آیات مختلفی به این حقیقت اشاره گردیده است از جمله در سوره اعلیٰ چنین آمده است که «لیکن زندگی دنیا را بر می‌گزینند با آنکه آخرت نیکوتر و پایدارتر است» (اعلیٰ، 16 و 17) و در سوره نساء بیان شده که بر خورداری از دنیا اندک می‌باشد و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است (نساء، 77). پس عالم آخرت از نظر بقاء و دوام، برتری عظیمی بر دنیا دارد و این مطلبی

است که در آیات متعددی با تعبیر «باقی» (کهف، 46؛ مریم، 76؛ طه، 73، 131؛ قصص، 60؛ شوری، 36؛ غافر، 39؛ اعلیٰ، 17)

بودن آخرت و «قلیل» بودن دنیا (آل عمران، 197؛ نساء، 77؛ توبه، 38؛ نحل، 117). خاطر نشان شده و آیات دیگری با تشبیه زندگی دنیا به گیاهی که تنها چند روزی سبز و خرم است و سپس به زردی و پژمردگی می‌گراید و سرانجام، خشک و نابود می‌شود (یونس، 24؛ کهف، 45-46؛ حدید، 20) مورد تأکید قرار گرفته است و در آیه‌ای به طور کلی می‌فرماید: «آن چه نزد خدای متعال است باقی می‌ماند» (نحل، 96).

4- دنیا مقدمه و آخرت هدف

زندگی دنیا به عنوان مقدمه‌ای برای زندگی آخرت است در واقع ارزش دنیا تا این حد است که به عنوان یک راهی، ما را به آخرت می‌رساند و هدف از زندگی موقت این دنیا، آمادگی یافتن انسان در آن دنیا برای درک رحمت و نعمت الهی یا عذاب می‌باشد چنان که در قرآن آمده «برخورداری از دنیا اندک است و برای تقوا پیشگان آخرت بهتر است» (نساء، 77). بر این اساس است که کسی که زندگی این دنیا را هدف خود قرار داده بسیار زیان کرده است. قرآن کریم زندگی دنیا را بازی و سرگرمی و ابزار فریب نامیده (آل عمران، 185؛ عنکبوت، 64؛ محمد، 3؛ حدید، 20) و زندگی آخرت را زندگی حقیقی دانسته است (عنکبوت، 64؛ فجر، 24). ولی باید توجه داشت که نکوهش‌های دنیایی مربوط به نوع نگرش و جهت‌گیری انسان‌های دنیا طلب است و گرنه زندگی دنیا برای بندگان شایسته خدا که حقیقت آن را می‌شناسند و به نظر وسیله به آن می‌نگرند و از هر لحظه عمر خود، برای سعادت ابدیشان بهره می‌گیرند، نه تنها نکوهش ندارد بلکه دارای ارزش فوق العاده‌ای نیز می‌باشد. (آموزش عقاید، آیت الله مصباح یزدی، محمد تقی، ص 425).

5- کشت و درو

دیگر تفاوت دنیا و آخرت این است که دنیا خانه کشت و تخم پاشیدن است و آخرت خانه بهره برداری و درو کردن. در آخرت عمل نیست هر چه هست محصول و نتیجه است. از آن روست که انبیا الهی همواره فریاد می‌کردند که ای مردم به عمل صالح

بپردازید و ذخیره‌ای برای خانه واپسین خویش تهیه کنید که زمان عمل محدود است (کهف، 3؛ فصلت، 50).

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «و انَّ الیومَ عملٌ و لاحسابٌ و غذاً حسابٌ و لا عمَلَ» امروز، کار است و محاسبه نیست و فردا محاسبه است و کار نیست (نهج البلاغه، خطبه 42).

6- در دنیا سرنوشت مشترک است و در آخرت اختصاصی

تفاوت دیگری که بین نظام دنیا و نظام آخرت وجود دارد این است که سرنوشت‌ها در دنیا تا حدی مشترک است ولی در آخرت هر کس سرنوشتی جداگانه دارد. منظور این است که زندگی دنیا اجتماعی است و در زندگی اجتماعی همبستگی و وحدت حکمفرماست. کارهای خوب نیکوکاران در سعادت دیگران موثر است و کارهای بد بدکاران نیز در جامعه اثر می‌گذارد و به همین جهت است که مسئولیت‌های مشترک نیز وجود دارد. افراد یک جامعه همانند اعضای بدن به هم وابسته‌اند اختلال یکی از آنها موجب زوال سلامتی از عضوهای دیگر می‌گردد. مثلاً اگر کبد خوب کار نکند ضرر آن به عضوهای دیگر هم می‌رسد. و به واسطه سرنوشت مشترک داشتن افراد اجتماع است که اگر فردی بخواهد گناهی مرتکب شود دیگران باید مانع او شوند.

در دنیا، تر و خشک باهم می‌سوزند و یا باهم از سوختن مصون می‌مانند. در جامعه که گروهی زندگی مشترک دارند و در آن هم بدکار هست و هم نیکوکار. گاهی بدکاران از ثمره کار نیکوکاران منتفع می‌گردند و گاهی مردم بی‌گناه از صدمه گناهکاران آسیب می‌بینند. ولی آخرت چنین نیست در آنجا محال است که کسی در عمل دیگری سهمی گردد. نه کسی از ثمره کار نیکی که از خودش در آن سهمی نداشته است بهره مند می‌شود و نه کسی از کیفر گناهان دیگران معذب می‌گردد. آخرت خانه جدایی و فصل است، بین خوب و بد جدایی می‌اندازد ناپاکان را از پاکان منفصل می‌کند.

در دنیا اگر کسی با نیکوکاران بنشیند از مجالست با آنان نیکی می‌پذیرد و اگر با بدان بنشیند گمراه می‌گردد، ولی در جهان دیگر اگر انسان تا ابد با نیکوکاران بنشیند

درجه‌اش بالا نمی‌رود. در آنجا نه از مجالست با عنبر فروش بوی خوش عاید انسان می‌شود و نه از همنشینی با زغال فروش غبار سیاهی عارض می‌گردد. در آنجا مبادله وجود ندارد. نه مبادله طبیعی و نه مبادله قراردادی. مبادله‌ها و قراردادهای اختصاص به این جهان دارد.

7- در دنیا می‌توان سخنان را کتمان کرد در قیامت ممکن نیست:

«لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا» (نساء، 42).

سخنی را نمی‌توانند از خدا پنهان کنند.

«يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق، 9).

در آن روز که اسرار پنهان (انسان) آشکار می‌شود.

8- در دنیا می‌توان از خود دفاع کرد و سخن گفت در قیامت ممکن نیست:

«يَوْمَ لَا يَنْطَقُونَ» (مرسلات، 35).

امروز روزی است که سخن نمی‌گویند (و قادر به دفاع از خویش نیستند).

9- در دنیا می‌توان عذرخواهی کرد در قیامت ممکن نیست:

«وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ» (مرسلات، 35).

به آنها اجازه داده نمی‌شود که عذرخواهی کنند.

10- در دنیا می‌توان برای نجات از عذاب و شکنجه فرار کرد در قیامت ممکن نیست:

«أَيْنَ الْمَفْرُوكِ إِلَّا وَزَرَ» (قیامت، 10-11).

آن روز انسان می‌گوید راه فرار کجاست؟ هرگز چنین نیست و پناهگاهی وجود ندارد.

11- در دنیا می‌توان کار خود را به دوش دیگران انداخت و در قیامت ممکن نیست:

«لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» هیچ گنه کاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد (فاطر، 18).

12- تفکیک نعمت از عذاب در آخرت

به تجربه برای همه ماها ثابت شده است که در زندگی‌مان همواره لذت و رنج، شادی و درد با هم آمیخته است مثلاً لذت خوردن غذای دلخواه، رنج تهیه آن را به همراه دارد، و لذت مادر شدن رنج مشکلات نه ماه بارداری را به همراه دارد اما در جهان آخرت چنین آمیختگی وجود ندارد در جهان آخرت دو بخش مجزا (بهشت و دوزخ) است و در یک

بخش اثری از عذاب، رنج، ترس و اندوه نیست و در بخش دیگر جز آتش و درد و حسرت و اندوه یافت نمی شود و طبعاً لذت ها و رنج های دنیوی خواهد بود. آن جا گروهی از بهشتیان از لذت نعمت خالص برخوردارند تا حدی که کوچکترین رنجی بر آنها متصور نیست و در مقابل گروهی دیگر جز عذاب چیزی دیگری ندارند. این مقایسه در قرآن نیز وجود دارد و برتری نعمت های اخروی و جوار و قرب الهی بر نعمت های دنیا مورد تأکید واقع شده (آل عمران، 85؛ نساء، 77؛ انعام، 32؛ اعراف، 32؛ یوسف، 109؛ نحل، 30؛ کهف، 46؛ مریم، 76؛ طه، 13، 73؛ قصص، 60؛ شوری، 36)

چنان که سخت تر بودن عذاب آخرت از رنج ها و مصیبت های دنیا خاطر نشان شده است (رعد، 34؛ طه، 127؛ سجده، 21؛ زمر، 26؛ فصلت، 16؛ قلم، 33؛ غاشیه، 24).

13- دنیا نظامی اجتماعی و آخرت نظامی فردی

زندگی دنیا، زندگی اجتماعی است و انسان موجودی اجتماعی است یعنی بدون دیگران نمی تواند نیازهایش را بطور کامل رفع کند، او همچنانکه در زندگی از نتیجه اعمال نیک دیگران برخوردار می باشد همینطور از پیامدهای نامطلوب خطاهای دیگران نیز ضرر می بیند. به همین جهت است که همواره آنها در سرنوشت اجتماع بطور مشترک سهیم هستند، اما در آخرت هرچند در کنار هم زندگی می کنند ولی اثری از روابط اجتماعی مانند دنیا خبری نیست. روابط خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نقش خود را از دست داده رنگ می بازند و طبق آیه قرآن هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد و هرکس به تنهایی مسئول اعمال خویش است و به تنهایی جزای آن را می بیند (شعراء، 88). یعنی نظام آخرت، نظام فردی است به خلاف نظام دنیا که نظام اجتماعی است.

14 - در دنیای تو در مشکلات به کسی یا کسانی پناه برد در قیامت ممکن نیست: «لا تجأروا اليوم انکم منّا لاتنصرون» (مؤمنون، 65).

15 - در دنیا برای آزادی خود یا ملک می توان رهن و وثیقه سپرد در قیامت ممکن نیست بلکه خود انسان را به گرو می گیرند:

«کل نفس بما کسبت رهینه» (مدثر، 38). (آری) هرکس در گرو اعمال خویش است.

16- نعمت و عذاب دنیا مقطعی و زودگذر است اما در قیامت نعمت و عذاب الهی دائمی است:

«أكلها دائم» (رعد، 35).

میوه آن همیشگی

«لا مقطوعه و لا ممنوعه» (واقعہ، 33).

که هرگز قطع و ممنوع نمی شود .

«فدخلوا ابواب جهنم خالدین فیها» (نحل، 29).

(به آنها گفته می شود) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید ماند.

17- شکنجه و عذاب دنیا قابل تخفیف است اما در قیامت چنین نیست:

«فلا یخفف عنهم العذاب و لا هم یصرون» (بقره، 86). از این رو عذاب آنها تخفیف

داده نمی شود و کسی آنها را یاری نخواهد کرد.

18- پاداش و کیفر دنیا امری قراردادی است اما آخرت امری حقیقی است

می دانیم که پاداشها و کیفرهای دنیا امری قراردادی است و بر این اساس است که در دو نظام حقوقی متفاوت یک جرم، مجازاتهای مختلفی دارد و همچنین علاوه بر آن، مجازات دنیایی به خاطر این است که از انجام کار خلاف مشابه آن جلوگیری گردد و همچنین تنبیه خلافکار مدنظر است و اینکه یک نوع داوری برای کسانی است که حقتشان ضایع گردیده اما جزای اعمال در آخرت، امری حقیقی است (نه قراردادی) که هیچ یک از اهداف یادشده در آن قابل تصور نیست. در دیدگاه اسلامی آنچه در آخرت به عنوان پاداش یا عذاب به انسان می رسد همان باطن اعمال انسان و نیت اوست که تجسم می یابد و به صورت عذاب یا نعمت در می آید که در آیات متعددی به این مطلب اشاره گردیده که " آیا جز آنچه می کردید سزا داده می شوید؟" چنانکه در سوره نساء صورت تجسم یافته مال یتیم را به ناحق خوردن، آتش می دانند و می فرماید.. کسانی که اموال یتیم را به ستم می خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند» (نساء، 10).

19- تفاوت ماهوی دو دنیا

این که اساسا نظامی که بر جهان آخرت حاکم است با نظامی که بر این دنیا حاکم

است تفاوت دارد چرا که دنیا محل تحول و تغییر است، در آن مرگ و حیات با هم وجود دارد اما جهان آخرت به کلی حیات است و زندگی، آخرت سرشار از شعور است و آگاهی برخلاف این دنیا. در واقع طبق آیات قرآنی زندگی حقیقی همان سرای آخرت می باشد (عنکبوت، 64).

20- آمیختگی و خلوص؛

در زندگی دنیایی، خوشی با رنج، حیات با مرگ، لذت با محنت، اندوه با شادی و اضطراب با آرامش آمیخته است. اما در آخرت چنین نیست؛ بلکه دسته‌ای از مردم همیشه و از هر جهت متنعم، شاد و آسوده‌اند و گروهی دیگر همواره معذب، غمگین و ناراحت‌اند (ر.ک: آل عمران، 15؛ نساء، 77؛ اعراف، 32؛ یوسف، 109؛ رعد، 34؛ نحل، 30؛ طه، 73 و 127؛ زمر، 26؛ قلم، 33).

21- آخرت اصل و دنیا فرع؛

دنیا در برابر آخرت مانند وسیله به هدف، کشت به درو و اصل به فرع است؛ یعنی، زندگی دنیایی مقدمه آخرت و وسیله‌ای برای کسب سعادت ابدی است. در این دنیا باید تخم پاشید و در آنجا درو کرد. زندگی دنیایی در مقابل آخرت، زندگی فرعی و غیر اصیل است، اما زندگی آخرت، زندگی نهایی و اصیل است (آل عمران، 185؛ قصص، 77؛ عنکبوت، 64؛ محمد، 36؛ حدید، 20؛ فجر، 24).

هست بی‌رنگی اصول رنگ‌ها صلح‌ها باشد اصول جنگ‌ها
آن جهان است اصل این پر غم و ثاق وصل باشد اصل هر هجر و فراق
زانک ما فرعیم و چار اضداد اصل خوی خود در فرع کرد ایجاد اصل
(مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات 59، 60 و 62)

22- دنیا دار تکلیف و آخرت دار جزا

دنیا دار تکلیف است و آخرت دار جزا. حضرت امیر فرمود: «و ان الیوم عمل و لا حساب و غذا حساب و لا عمل؛ امروز روز عمل است و حسابی در کار نیست، و فردا روز حساب است و امکان عمل نیست» (نهج البلاغه، خطبه 42).

چرا؟ این یک امر گزافی است؟ خدا همین طور بی جهت، به اراده گزافی دلش خواسته که دنیا را دار تکلیف قرار بدهد؟ باب توبه را در دنیا به روی انسان باز گذاشته باشد، مهلت برای کشت و تکامل پیدا کردن، اصلاح کردن خود، ملکات عالی کسب کردن، اعمال صالح بجای آوردن داده باشد، این دنیا را جای این کارها قرار بدهد ولی به آخرت که رفت یکدفعه بگوید دلش خواسته که باب عمل را ببندد، باب کسب اخلاق و ملکات خوب یا بد را ببندد، باب توبه را ببندد، بگوید هر چه در این دنیا انجام داده همان است، اینجا دیگر ما به او اجازه نمی دهیم، بگوییم میان اینجا و آنجا فرقی نیست، فقط عیش این است که در آخرت خدا دلش نمی خواهد اجازه بدهد، آیا این طور است؟ یا نه، اصلاً امکان ندارد، اصلاً ماهیت این دنیا ماهیت عمل است و ماهیت آن دنیا ماهیت پاداش است، امکان این که کسی از راه تکلیف بتواند در آنجا کاری انجام بدهد وجود ندارد.

در آنجا امکان تکلیف و عمل و تغییر دادن خود و سرنوشت خود (اگر سعید است برگردد خود را شقی کند، اگر شقی است برگردد سعید کند) وجود ندارد، از باب اینکه نظام زندگی نظام دیگری است؟ مسلم حرف اول را نمی شود گفت که هیچ فرقی نیست و آنجا این کارها امکان دارد ولی خدا دلش نمی خواهد. نه، صحبت دلخواهی نیست، آنجا کار نشدنی است.

23- اسباب و انساب در دنیا کارگرند اما در آخرت کارگر نیستند.

در دنیا روابطی بین اشیاء به عنوان علل و اسباب ظاهری مطرح است که در آخرت بدین صورت نمی باشد. در نظام دنیا انسان با یک سلسله علل و اسباب ظاهری کار می کند و با یک سلسله قراردادها و پیمان ها و پیوندهای اعتباری کار انجام می دهد، یا با ابزار ظاهری و طبیعی یا با پیوندها و قراردادها. ولی در دنیا انسان با داشتن ابزار هم می تواند راه صحیح را طی کند، هم می تواند راه باطل را بیاید. ابزار و اسباب در اختیار انسان است. هر چند در اثر پیوندها هم کارهایی می توان انجام داد. در نظام آخرت، علل و اسباب وجود دارند اما این چنین نیست که در اختیار انسان باشند، یعنی این طور نیست که همان طوری که در دنیا از این ابزارها استفاده های بد و یا خوب می توان نمود، در آخرت هم بتوان از ابزارها استفاده های گوناگون کرد و یا در آخرت با پیوندها و قراردادها و نسب ها کار

انجام داد. لذا نسبت‌ها و پیوندها در آخرت گسسته است و در آن روز نسبت نقشی نداشته و اسباب و علل هم در اختیار انسان نمی‌باشد که بتواند با اسباب و علل هر کاری که خواست انجام دهد. قرآن کریم می‌فرماید: وقتی نفخ صور دمیده شد و برای حضور در آخرت همه احیاء شدند، دیگر نسبی در کار نیست. وقتی دوباره می‌خواهند زنده بشوند این چنین نیست که پسر از پدر متولد بشود بلکه پدر و پسر هر دو از خاک و قبر بر می‌خیزند، پس نسبی در کار نیست. آن‌جا پدری و فرزندی مطرح نیست. پدری و فرزندی در نتیجه نسب از برای عالم دنیاست. نظام آخرت نظام همسان است که همه از خاک بر می‌خیزند. پس نسبی در کار نبوده و پیوندهایی که در اثر این انساب در عالم دنیا مؤثر بود، در قیامت مؤثر نیست. پس اسباب ظاهری گسیخته شد. انساب دنیایی در هم فرو ریخت. انسان است و عملکرد او، نه با سبب می‌تواند کاری انجام بدهد و نه با سبب. وی مهمان ابدی عملکرد خود در دنیا می‌باشد.

24- در آخرت واقعیت‌ها ظهور می‌کند اما در دنیا واقعیت‌ها باغیر واقعیت آمیخته است.

قرآن می‌فرماید: «آنها که محبوبی دروغین گزیده اند، رابطه محبوب و محب گسسته می‌شود زیرا در آخرت جای دروغ و پیوند دروغین نیست. آنها که محبوب حقیقی را فراهم کردند بین محبوب و محب رابطه برقرار هست زیرا آخرت جای ظهور واقعیت است.» *«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا»* (بقره، 165). می‌فرماید: بعضی از مردم برای خدا از غیر خدا همانند و همتایی قایل اند. از غیر خدا سخن می‌شنوند و از غیر خدا کمک می‌خواهند و به غیر خدا تکیه می‌کنند. این‌ها برای خداوند مثل و همتا قرار دادند. گاهی انسان به خودش متکی است و گاهی به قوم و قبیله اش و گاهی هم به نژاد و ملتش وابسته است. هر تکیه گاهی که غیر از حق باشد اتکاء به شرک است.

25- در آخرت تابعین از متبوع جدا می‌شوند اما در دنیا این‌طور نیست.

اگر آسمان و زمین قدرت دارد، و اگر دریا و صحرا قدرت دارند، این‌ها آئینه قدرت حق اند نه آن که مقتدر باشند. این معنا را مؤمن می‌فهمد و عارف می‌بیند و در قیامت همه ما می‌بینیم که حتی به خود تکیه کردن و اعتماد به نفس که معنایش غیر از غرور است، خود یک نحوه شرک است. در آن روز متبوع‌ها را از تابعین جدا می‌کنند و تابعین

هم که حساب نشده به دنبال متبوع ها حرکت کرده بودند از آنها جدا می شوند» اِذَا تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا (بقره، 166). متبوع ها از تابعین تبری میجویند آنها در دنیا می توانستند عده ای را دور خود جمع کرده و فریب دهند، اما در قیامت این چنین نیست. «وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ» (بقره، 166).

ب) تفاوت دنیا و آخرت در روایات

1- دنیا دار رنج، آخرت دار راحتی

قال علی علیه السلام: «ما اصف من دار اولها عناء و اخرها فناء فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب». چگونه دنیا را توصیف کنم که آغاز آن رنج و پایانش فناء و نیستی است در حلال آن حساب و در حرام آن عذاب است (سفینه 1، 466).

2- دنیا زمانش محدود و آخرت غیر محدود

قال علی علیه السلام: «انّ الدّنیة عیشها قصیر و خیرها یسیر و اقبالها خدیعة و ادبارها فجیعة و لذاتها فانیة و تبعاتها باقیة».

همانا دنیا زندگی آن کوتاه و خیرش اندک و روی آوردنش نیرنگ و پشت کردنش دردناک و لذتهایش نابود شونده و رنج و اندوه هایش باقی است (غررالحکم 1، 260).

3- دنیا دار خواب، آخرت دار بیداری

قال السّجّاد علیه السلام: «الدّنیة نومة و الاخرة یقظة». زندگی دنیا خوابی بیش نیست و آخرت بیداری است (مجموعه ورام 2، 24).

4- دنیا دار نیرنگ، آخرت دار حقیقت

قال علی علیه السلام: «دار بالبلاء محفوفة و بالغدر معروفة لا تدوم احوالها و لا تسلم نزالها احوال مختلفه و تارات متصرفه العیش فیها مذموم و الامان منها معدوم». دنیا خانه‌ای است پوشیده از بلاها به حیل و نیرنگ شناخته شده نه حالات آن پایدار و نه مردم آن از سلامت برخوردارند، دارای تحولات گوناگون و دوران‌های رنگارنگ، زندگی در آن نکوهیده و امنیت در آن نابود است (نهج البلاغه، خطبه 217).

5- دنیا دار گذر، آخرت دار جاوید

قال علی علیه السلام: «الدّنیة دار ممرّ لا دار مقرّ و الناس فیها رجلان رجل باع فیها

نفسه فابقیها و رجل ابتاع نفسه فاعتقها» .

دنیا خانه مرور و گذر است و خانه پایدار نیست و مردم در آن دو دسته‌اند یکی آن‌که خود را فروخت و به تباهی کشاند و دیگری آن‌که خود را خرید و آزاد کرد .
(نهج البلاغه)

اشاره قال علی علیه السلام : «ایها الناس اما ترون الی اهل الدنیا یمسون و یصبحون علی اموال شتی فبین صریح یتلوی و بین عائد و معود و آخر بنفسه یجود و آخر لا یرجی و آخر مسجی و طالب الدنیا و الموت یطلبه و غافل لیسى بمغفول و علی اثر الماضی یصیر الباقی» .
ای مردم به دنیا دوستان نمی‌نگرید صبح و شامشان بر حالات مختلف و گوناگون است یکی بیمار است و بر زمین افتاده و پهلوی به پهلوی می‌شود، یکی به عیادت بیمار می‌رود دیگری در حال جان دادن است یکی امیدی به بقاء او نمانده و آن دیگری جان داده و آماده دفن شده، یکی خواهان دنیا و مرگ او را می‌طلبد دیگری خود غافل و بی‌خبر است ولی خدا از او غافل نیست و باقی مانده بر اثر گذشته می‌رود (بحار الانوار، 74، 377).

ج: تفاوت های بین اهل دنیا و آخرت

از نظر قرآن کریم تفاوت های اساسی و بنیادی میان اهل دنیا و آخرت وجود دارد که به برخی از آنها به طور اختصار اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که برخی از این اوصاف که برای اهل دنیا بیان شده، اوصاف کافران یا منافقان است لیکن چون هر دو گروه تمام توجه خود را به دنیا قرار داده‌اند، از این رو به عنوان اوصاف اهل دنیا از آنها تعبیر می‌شود. زیرا اوصاف اهل آخرت گرچه برای مؤمنان و پرهیزکاران بیان شده اما چون هر دو گروه توجه به آخرت دارند به عنوان اوصاف اهل آخرت ذکر می‌شود.

تفاوت بین اهل دنیا و آخرت

1- اهل دنیا دل بسته امور مادی اند: «أناقلتم إلی الأرض» (توبه، 38) و «أخلد إلی الأرض» (اعراف، 176).

2- دنیا جویان انفاق را غرامت می‌دانند: «و من الأعراب من یتخذ ما ینفق

مغرمًا» (توبه، 98).

3- دنیاگرایان از نرفتن به جبهه و جهاد خوشحال می شوند: «فرح المخلفون بمعقدهم خلاف رسول الله» (توبه، 81).

4- دنیادوستان نماز را مسخره می کنند: «و إذا ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً» (مائده، 57).

5- قلب مادیگرایان به زخارف طبیعت آرام می شود: «إن الذين لا يرجون لقاءنا و رضوا بالحیوه الدنيا و اطمأنوا بها» (یونس، 7).

6- اهل دنیا در ظلم و گناه شتاب می کنند: «و تری كثيراً منهم یسارعون فی الإثم و العدوان» (مائده، 62).

7- دنیا طلبان مردم را به فساد دعوت می کنند: «یأمرون بامنکر و ینهون عن المعروف» (آل عمران، 114).

1- اهل آخرت از مسایل مادی و ارسته هستند: «الذین یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصه» (حشر، 9).

2- آخرت جویان انفاق را غنیمت و سبب قرب به خدا می دانند: «و من الأعراب من یؤمن بالله و الیوم الآخر و یتخذ ما ینفق قربات عند الله» (توبه، 99).

3- آخرت گرایان از نرفتن به جبهه محزون و ناراحت می شوند: «تولّوا و أعینهم تفیض من الدمع حزناً ألا یجدوا ما ینفقون» (توبه، 92).

4- آخرت دوستان نسبت به نماز خشوع دارند: «قد أفلح المؤمنون* الذین هم فی صلواتهم خاشعون» (مؤمنون، 1-2).

5- دل آخرت گرایان با یاد خدا آرام می گیرد: «الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» (رعد، 28).

6- اهل آخرت در خوبی ها شتاب می کنند: «یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین» (آل عمران، 114).

- 7- آخرت طلبان مردم را به صلاح و نیکی دعوت می کنند: «یاأمرؤن بالمعروف و ینھون عن المنکر» (توبه، 67).
- 8- اهل دنیا خواهان ثروت زیاد هستند: «یا لیت لنا مثل ما أوتی قارون» (قصص، 79).
- 8- اهل آخرت خواهان پاداش اخروی هستند: «و قال الذین أوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر لمن ءامن و عمل صالحاً» (قصص، 80).
- 9- دنیا گرایان به هنگام قدرت فساد به پا می کنند: «ان الملوک إذا دخلوا قریه أفسدواها» (نمل، 34).
- 10- اهل دنیا فلاح و رستگاری را در زورگویی و قلدری می دانند: «قد أفلح الیوم من استعلی» (طه، 64).
- 11- دنیا جویان کار خیر انجام نمی دهند و دوست دارند از آنها ستایش کنند: «یحبّون أن یحمدوا بما لم یفعلوا» (آل عمران، 188).
- 9- آخرت گرایان احکام الهی را اجرا می کنند: «الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصلواه و ءاتوا الزکوه» (حج، 41).
- 10- اهل آخرت آن را در تهذیب و تزکیه روح می دانند: «قد أفلح من زکیها» (شمس، 9).
- 11- کار خیر انجام می دهند و انتظار پاداش و تشکر ندارند: «انم نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً» (انسان، 9).
- 12- مادیگرایان در امانت گرچه اندک خیانت می کنند: «و منهم من إن تأمنه بدینار لا یؤده الیک» (آل عمران، 75).
- 13- اهل دنیا خداوند و قیامت را فراموش می کنند: «نسوا الله فأنساہم أنفسهم» (توبه، 67).
- 14- دنیا طلبان به علوم مادی خود شادمان و مسرورند: «فرحوا بما عندهم من العلم» (غافر، 83).

15- قلب اهل دنیا نسبت به یکدیگر انس و الفت ندارد: «تحسبهم جميعاً و قلوبهم شتى» (حشر، 14).

16- دنیاخواهان افرادی سنگدل هستند: «فویل للقاسیه قلوبهم من ذکر الله» (زمر، 22).

12- آخرت گرایان در امانت گرچه فراوان خیانت نمی کنند: «و من اهل الكتاب من إن تأمنه بقنطار يؤده اليك» (آل عمران، 75).

13- اهل آخرت به یاد خدا و قیامت هستند: «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا» (آل عمران، 191).

14- آخرت طلبان به فضل و رحمت الهی شادمان و مسرورند: «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا» (یونس، 58).

15- دل اهل آخرت با یکدیگر انس و الفت دارد: «و اذکروا نعمت الله علیهم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم» (آل عمران، 103).

16- آخرتگرایان افرادی نرم دل هستند: «وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه ورحمه» (حدید، 27).

جدای از موارد ذکر شده، تفاوت های دیگری را نیز بین اهل دنیا و آخرت شمرده اند که بدین ترتیب است:

اهل دنیا کسانی هستند که بسیار می خندند و پرخوری می کنند و خوابشان زیاد است و خشمشان فراوان، همواره از دیگران طلبکارند و وقتی به کسی بدی می کنند عذر نمی طلبند و علاوه بر آن عذرپذیر نیز نیستند، در عبادت کسل و تنبل هستند و با اینکه می دانند مرگشان نزدیک است آرزوهای دور و درازی دارند، به محاسبه اعمال خود نمی رسند، زیاد حرف می زنند و نفعی برای دیگران نمی خواهند، از خدا بسیار کم می ترسند و هنگام آسایش و رفاه شکرگذار نیستند و به هنگام مصیبت و بلا، صبور نمی باشند. کارهای خیر دیگران در پیششان کم است، ادعای چیزی را می کنند که نیستند و کارهای کوچک خود را بزرگ می شمارند و به عیب جویی مشغولند.

اما اهل آخرت کسانی هستند که خیلی زیاد حیاء و نجابت دارند و از روی برنامه

عمل می‌کنند، نفعشان برای مردم فراوان است، صادقانه با دیگران برخورد می‌کنند، مردم از دستشان در امنیت هستند، سنجیده سخن می‌گویند و به محاسبه اعمال خود می‌پردازند و همواره به یاد خدا هستند و ترس از خدا بر دلشان حاکم است و در آغاز نعمت، حمد کنند و در پایانش شکر، پرخوری و پرگویی و اسراف ندارند و کسانی را که از آنها رویگردان هستند به سویشان می‌خوانند و مبارزه با نفس دارند.

ارتباط دنیا و آخرت

با وجود تفاوت‌هایی که میان دنیا و آخرت وجود دارد، پیوند و ارتباط تکوینی و خاصی بین آن دو هست. اما در فهم این ارتباط، باید تعمق بیشتری کرد، چرا که برخی گمان کرده‌اند نعمت‌های دنیایی موجب سعادت اخروی است؛ از این رو، میان نعمت‌های دنیا و نعمت‌های آخرت قائل به ارتباطند. اما از دیدگاه قرآن، رابطه بین دنیا و آخرت، از قبیل رابطه بین پدیده‌های دنیا با یکدیگر نیست که هر کس در اینجا نیرومندتر، زیباتر و شادتر باشد، در آخرت هم همان گونه باشد (انعام، 94؛ طه، 124 و 126؛ مؤمنون، 101؛ شعرا، 88؛ لقمان، 33؛ مجادله، 17). برخی نیز در مقابل پنداشته‌اند، کسانی به سعادت اخروی می‌رسند که از نعمت‌های دنیوی بهره‌مند نبودند و کسانی دچار عذاب‌های اخروی می‌شوند که از نعمت‌های دنیایی بهره‌مند بوده‌اند. اما این پندار ناروایی است؛ زیرا از نظر قرآن نعمت‌های دنیایی وسیله آزمایش انسان است و بهره‌مندی یا محرومیت از آنها، به تنهایی نشانه نزدیکی یا دوری از حضرت حق - که موجب سعادت یا شقاوت می‌شود - نیست (آل عمران، 179؛ مائده، 48؛ اعراف، 168؛ انفال، 28؛ کهف، 7؛ تغابن، 15؛ فجر، 15 و 16)؛ بلکه از منظر آیات قرآن، اجمالاً عامل سعادت اخروی «ایمان و عمل صالح» (بقره، 25 و 38 و 277؛ آل عمران، 15 و 57 و 179؛ نساء، 13 و 146 و 162؛ حدید، 12؛ تغابن، 9؛ بروج، 11؛ بینه، 7 و 8) و عامل شقاوت ابدی «کفر و گناه» معرفی شده است (بقره، 24 و 104 و 162؛ مائده، 10 و 86؛ انعام، 49؛ توبه، 3؛ یونس، 4؛ رعد، 5؛ فرقان، 11؛ برای آشنایی تفصیلی از تفاوت‌ها و نوع رابطه دنیا و آخرت رک: مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ج 3، صص 100 - 119). در حقیقت از دیدگاه قرآن، یک نوع رابطه حقیقی و تکوینی، میان دنیا و آخرت وجود دارد؛ هر چند برای ما ناشناخته و برای

علوم تجربی غیر قابل تبیین باشد. حال عدم معرفت و عدم قدرت تبیین، دلیلی بر نبود چنین پیوندی و انکار آن نخواهد بود؛ زیرا محدوده روابط تکوینی و حقیقی، فراتر از روابط ناشناخته و تجربه‌ناپذیر است.

از نظر گاه قرآن، قیامت، باطن نظام هستی و دنیا بوده و نظام دنیوی، مرتبه نازله آخرت است. از این رو، آخرت هم اکنون هست؛ ولی در پشت پرده و در زیر حجاب و حجاب‌ها. بعداً پدید نمی‌آید؛ بلکه بعداً با کنار رفتن موانع و برداشته شدن حجاب‌ها، آن حقیقت ظاهر و بارز می‌شود (اعراف، 187؛ شعراء، 21 و 22؛ نمل، 65 و 66؛ احزاب، 63؛ ملک، 25 و 27). از دیدگاه آیات، انسان‌ها هم اکنون در نامه عمل خود، قرار گرفته و آن را می‌خوانند؛ هم اکنون در صراط خود به سوی اهداف خود در حرکت‌اند؛ هم اکنون میزان می‌شوند؛ هم اکنون در موقف حساب و مراتب آن در فشارها و رنج‌ها هستند؛ هم اکنون بر روی صراط خود می‌لغزند و با افت و خیزها به حرکت خود ادامه می‌دهند. اما این حقیقت و باطن، به دلیل حجاب‌ها از ما محجوب است؛ ولی اگر کسی بصیرت یابد و با طیّ منازل و تحمل رنج‌ها و ریاضت‌ها، قیامت برای او قیام کند، هم اکنون شاهد آن خواهد بود (تکواثر، 1-6).

هر چه ما دادیم دیدیم این زمان این جهان پرده‌ست و عین است آن جهان (مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت 3530).

قرآن هرگز میان آخرت و دنیا تناقض قائل نمی‌شود. در پاسخ این سؤال که آیا بین دنیا و آخرت تضاد و تناقض هست یا خیر می‌توان به تعبیر شهید مطهری به سه نوع رابطه اشاره نمود. ایشان در این باره می‌گویند: «در این جا سه نوع رابطه وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد:

- 1- رابطه میان برخورداری از دنیا و برخورداری از آخرت
 - 2- رابطه میان هدف قرار گرفتن دنیا و هدف قرار گرفتن آخرت
 - 3- رابطه میان هدف قرار گرفتن یکی از این دو، با برخورداری از دیگری
- رابطه اول به هیچ وجه از نوع تضاد نیست و بنابراین جمع میان آن دو ممکن است. رابطه دوم از نوع تضاد است و امکان جمع میان آن دو وجود ندارد. اما رابطه سوم

تضاد یک طرفه است یعنی میان هدف قرار گرفتن دنیا و برخورداری از آخرت تضاد است ولی میان هدف قرار گرفتن آخرت و برخورداری از دنیا تضاد نیست. تضاد میان دنیا و آخرت از نظر هدف قرار گرفتن یکی و برخورداری از دیگری، از نوع تضاد میان ناقص و کامل است که هدف قرار گرفتن ناقص مستلزم محرومیت از کامل است اما هدف قرار گرفتن کامل مستلزم محرومیت از ناقص نیست بلکه مستلزم بهره مندی از آن به نحو شایسته و در سطح عالی و انسانی است، هم چنان که در مطلق تابع و متبوع ها وضع چنین است. اگر انسان هدفش استفاده از تابع باشد از متبوع محروم می ماند ولی اگر متبوع را هدف قرار دهد تابع خود به خود خواهد آمد. در نهج البلاغه این مطلب به نیکوترین شکل بیان شده است (نهج البلاغه، حکمت 269). مردم در دنیا از نظر عمل و هدف دو گونه اند: یکی تنها برای دنیا کار می کند و هدفی ماوراء امور مادی ندارد. سرگرمی به امور مادی و دنیوی او را از توجه به آخرت بازداشته است، چون غیر از دنیا چیزی نمی فهمد و نمی شناسد، همواره نگران آینده بازماندگان است که چگونه وضع آنان را برای بعد از خودش تأمین کند، اما هرگز نگران روزهای سختی که خود در پیش دارد نیست بنابراین عمرش در منفعت بازماندگانش فانی می گردد. یک نفر دیگر آخرت را هدف قرار می دهد و تمام کارهایش برای آن هدف است اما دنیا خود به خود و بدون آن که کاری برای آن و به خاطر آن صورت گرفته باشد به او رو می آورد، نتیجه این است که بهره دنیا و آخرت را توأمأ احراز می کند و مالک هر دو خانه می گردد، چنین کسی صبح می کند در حالی که آبرومند نزد پروردگار است و هر چه از خدا بخواهد به او اعطاء می کند (سیری در نهج البلاغه، شهید مرتضی مطهری، صص 307-309). خود ما مثلی داریم که می گوئیم " چونکه صد آمد نود هم پیش ماست ". مولوی نیز مثل دیگری ذکر می کند، مثال می زند به قطار شتر، می گوید شما یک وقت هست که طالب و خریدار یک قطار شتر هستید و یک وقت هست که طالب پشم و پشکل شتر هستید. اگر شما طالب پشم و پشکل شتر هستید خوب پشم و پشکل گیرتان می آید ولی دیگر قطار شتر به تبع گیرتان نمی آید، اما اگر کسی برود و قطار شتر را بخرد پشم و پشکل هم گیرش می آید می گوید:

آخرت قطار اشتردان عمو در تبع دنیاش همچون پشک و مو

این که دنیا و آخرت تابع و متبوعند و دنیاگرایی، تابع گرایی است و مستلزم محرومیت از آخرت است و اما آخرت گرایی متبوع گرایی است و خود به خود دنیا را به دنبال خود می کشد، تعلیمی است که از قرآن کریم آغاز شده است. در آیات سوره آل عمران (آل عمران، 145-148) به طور صریح و آیات سوره اسراء (اسراء، 18-19) و سوره شوری (شوری، 20) به طور اشاره نزدیک به صریح این مطلب کاملاً استفاده می شود. شک نیست که بین دنیا و آخرت، ارتباط نیز برقرار است، ارتباطی بسیار شدید. ارتباط دنیا و آخرت در این حد است که مانند دو بخش از یک عمر، و دو فصل از یک سال اند، در یک فصل باید کاشت و در فصل دیگر باید درو کرد، بلکه اساساً یکی کشت است و دیگری محصول، یکی هسته است و دیگری میوه آن، بهشت و جهنم آخرت در اینجا پدید می آیند. در حدیث است: «ان الجنة قيعان، و ان غراسها سبحان الله، و الحمد لله، و لا اله الا الله، و الله اكبر، و لا حول و لا قوة الا بالله؛ بهشت فعلا صحرائی خالی است بی کشت و زراعت، همانا اذکار "سبحان الله" و "الحمد لله" و "لا اله الا الله" و "الله اكبر" و "لا حول ولا قوة الا بالله" درخت هایی هستند که در این جا گفته، و در آنجا کاشته می شوند". در احادیث بسیاری به این ارتباط دنیا و آخرت اشاره شده است.

نتیجه گیری:

یکی از مسائلی که در موضوع معاد مورد توجه قرار می گیرد، تفاوت بین نظام دنیا و نظام آخرت است به این معنی که در دنیا کارها با علل و اسباب ظاهری و با قراردادهای پیمان و پیوندهای اعتباری انجام می شود ولی در آخرت این پیوندها و علل اعتباری نیست. در آخرت رابطه علی و معلولی وجود دارد لیکن انسان در دنیا با داشتن ابزار هم می تواند راه صحیحی را طی کند و هم می تواند راه باطل را بیاید و ابزار و اسباب در اختیار انسان است ولی در عالم آخرت چون این اسباب در اختیار انسان نیست و رابطه همه آنها از انسان گسسته می شود لذا نمی تواند در معاد عمل صالح انجام دهد. انسان هایی که در دنیا راه باطل را طی کنند محبوب های دروغین انتخاب کرده اند و افرادی که راه حق را

پیمودند دارای محبوب واقعی می‌باشند ولی آنهایی که محبوب دروغین انتخاب کنند در عالم قیامت پیوند دوستی بین آنها و محبوب‌های دروغین گسسته می‌شود چون در قیامت جای دروغ و پیوندهای دروغین نیست. لیکن اگر پیوند با محبوب واقعی باشد چون قیامت جای ظهور حق و واقعیت است این رابطه نیز برقرار می‌باشد. از طرف دیگر هر تکیه‌گاهی که غیر حق باشد مانند قوم و قبیله و نژاد و ملت و غیر آن اتکاء به آن شرک است و در آخرت فایده‌ای نخواهند داشت. بنابراین با توجه به امتیازات عالم آخرت و برتری زاید الوصف نعمت‌های بهشتی و رضوان و قرب الهی بر لذایذ دنیا، جای تردید نیست که برگزیدن زندگی دنیا بر آخرت، کاری نابخردانه خواهد بود (اعلی، 16؛ فجر، 24) و نتیجه‌ای جز حسرت و ندامت نخواهد داشت. ولی زشتی و نادرستی چنین گزینشی هنگامی بیشتر ظاهر می‌شود که بدانیم انتخاب دنیا و دلبستگی به لذایذ آن نه تنها موجب محرومیت از سعادت ابدی می‌شود بلکه عامل مهمی برای شقاوت جاودانگی جاودانی نیز می‌باشد. توضیح آن که اگر انسان می‌توانست به جای سعادت ابدی، لذایذ زودگذر دنیا را انتخاب کند اما به گونه‌ای که پیامد سوئی برای جهان ابدی نداشته باشد، چنین کاری با توجه به رجحان فوق العاده سعادت اخروی کاری ابلهانه می‌بود. ولی هیچ کس را گریزی از جهان ابدی نیست و کسی که تمام نیروی خود را صرف زندگی دنیا کرده و عالم آخرت را به دست فراموشی سپرده و یا اساساً آن را انکار کرده است نه تنها از نعمت‌های بهشتی، محروم می‌شود بلکه برای همیشه گرفتار عذاب‌های دوزخی خواهد شد و زیان مضاعفی خواهد کرد (هود، 22؛ کهف، 104-105؛ نمل، 4-5). این است که قرآن کریم از یک سو برتری نعمت‌های اخروی را گوشزد می‌کند و هشدار می‌دهد که مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد (بقره، 102، 200؛ توبه، 38؛ روم، 33؛ فاطر، 5؛ شوری، 20؛ زخرف، 34-35) و از سوی دیگر زیان‌های دلبستگی به دنیا و فراموش کردن آخرت و انکار جهان ابدی یا شک در باره آن را بر می‌شمرد و تأکید می‌کند که چنین اموری موجب شقاوت و بدبختی جاودانی می‌شود (اسراء، 10؛ بقره، 86؛ انعام، 130؛ یونس، 7-8؛ هود، 15-16؛ ابراهیم، 3؛ نحل، 22، 107؛ مومنون، 74؛ نمر، 4-5، 66) و چنان نیست که انتخاب‌کننده دنیا تنها از پاداش اخروی محروم شود بلکه علاوه بر

آن به کیفر ابدی نیز محکوم خواهد شد. راز آن در این است که شخص دنیاپرست، استعدادهای خداداد را ضایع کرده و درختی که می‌بایست میوه سعادت ابدی به بار آورد را خشکانده و بی‌ثمر ساخته است و حق منعم حقیقی را رعایت نکرده و نعمت‌های او را در راهی که مورد رضایت وی نبوده صرف کرده است و چنین کسی است که هنگام دیدن نتایج سوء گزینش خود، آرزو می‌کند که ای کاش می‌بودم و به چنین سرنوشت شومی مبتلا نمی‌شدم (نبأ، 40).

وجوه متفاوت زندگی دنیا و آخرت

دنیا

- 1- تغییر و حرکت.
- 2- زندگی ناخالص (آمیختگی موت و حیات).
- 3- فناپذیر.
- 4- مقدمه.
- 5- محل کشت.
- 6- سرنوشت مشترک.
- 7- در دنیا می‌توان سخن را کتمان کرد.
- 8- می‌توان از خود دفاع کرد.
- 9- آمیختگی نعمت و عذاب.
- 10- دنیا نظامی اجتماعی است.
- 11- می‌توان عذر خواهی کرد.
- 12- فرار از شکنجه و عذاب.
- 13- می‌توان کار خود را به دوش دیگران انداخت.
- 14- در مشکلات می‌توان به دیگران پناه برد.
- 15- برای آزادی خود می‌توان رهن و وثیقه گذاشت.
- 16- نعمت و عذاب مقطعی است.

آخرت

- 1- ثبات و بقا.
- 2- زندگی خالص.
- 3- جاودانه و فناپذیر.
- 4- هدف.
- 5- محل درو.
- 6- سرنوشت اختصاصی.
- 7- در آخرت کتمان ممکن نیست.
- 8- دفاع ممکن نیست.
- 9- تفکیک و جدایی نعمت و عذاب.
- 10- آخرت نظامی فردی است.
- 11- عذرخواهی ممکن نیست.
- 12- امکان فرار وجود ندارد.
- 13- هر کس مسؤول کار خود می باشد.
- 14- در قیامت ممکن نیست.
- 15- خود انسان را به گرو می گیرند.
- 16- نعمت و عذاب دائمی است.
- 17- شکنجه و عذاب قابل تخفیف است.
- 18- پاداش و کیفر امری قراردادی است.
- 19- آمیختگی .
- 20- فرع.
- 21- دار تکلیف.
- 22- توالد و تناسل و کودکی و جوانی و پیری و سپس مرگ در این دنیا است.
- 23- جای کار و عمل است.
- 24- امکان تغییر سرنوشت وجود دارد.
- 17- شکنجه و عذاب قابل تخفیف نیست.
- 18- پاداش و کیفر امری قطعی است.
- 19- جدایی.
- 20- اصل.

- 21- دار جزاء.
- 22- در آن جا خبری از هیچ کدام نیست.
- 23- جای نتیجه گیری و حساب پس دادن.
- 24- امکان تغییر وجود ندارد.
- 25- حیات آمیخته با موت است.
- 26- ماده و جسم این جهان بی جان است.
- 27- اسباب و علل و شرایط خاص زمانی حکمفرماست.
- 28- دید و شنید و درک انسان ضعیف است.
- 29- خستگی، دلزدگی، ملال و اضطراب حاکم است.
- 30- نرسیدن به آرزوها انسان را آزار می دهد.

وجوه مشترک دنیا و آخرت

- 1- هر دو زندگی حقیقی و واقعی است.
- 2- انسان به خود و آن چه به خود دارد، آگاه است.
- 3- در هر دو زندگی فضا و اجرام هست.
- 25- حیات محض حکمفرماست
- 25- حیات آمیخته با جاودانگی است.
- 26- ماده و جسم آن جهان جاندار است.
- 27- فقط ملکوت و اراده الهی ظهور دارد.
- 28- پرده و حجاب ها از انسان برداشته می شود.
- 29- در جوار رب العالمین خستگی و ملال نیست.
- 30- هر چه بخواهد، برایشان مهیا می شود.
- 4- غرائز انسانی در هر دو حکمفرماست.
- 5- در هر دو انسان با بدن و اندام کامل زندگی می کند.
- 6- در هر دو لذت و رنج، سعادت و شقاوت هست.

فهرست منابع

القرآن الکریم

- 1- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ترجمه محمد علی انصاری، انتشارات امام عصر (عج)، قم، 1385.
- 2- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، 1386.
- 3- علامه مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1389.
- 4- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار مدینه الحکم و الآثار، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، 1374.
- 5- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، تهران، 1376.
- 6- ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1369.

Archive of SID